



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم استان قم به مناسبت سالروز قیام 19 دی - 19 دی / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوش آمد عرض می‌کنم به همه‌ی شما برادران و خواهران که با همت بلند خود و با انگیزه و شوق برخاسته از ایمان، متحمل زحمت شدید و امسال هم این اجتماع صمیمی و شیرین و پرشور و هیجان را در سالگرد نوزدهم دی تشکیل دادید. روز نوزدهم دی یکی از مقاطع مهم تاریخ سیاسی ملت ماست.

اگر نگاه تیزبینی با قدرت تحلیل به این حادثه نگاه کند، خواهد دید که حادثه‌ی نوزدهم دی یک مقطع تاریخی در زندگی سیاسی ملت ایران است. قهرمان این حادثه هم مردم قم هستند؛ اعم از جوانان پرشور و مردم مؤمن در آن شهر و حوزه‌ی کهن علمیه‌ی جوان شده که نقش خود را به معنای حقیقی کلمه، آن روز و پس از آن روز ایفا کرد. مسأله هم به طور خلاصه این بود که ملت ایران از فشار دیکتاتوری رژیم دست‌نشانده از یک طرف، فشار امریکایی از یک طرف، فشار تحمیل فرهنگ فساد از یک طرف، و سلطه‌ی خارجی و به طور مشخص عوامل و عناصر امریکایی از یک طرف، به ستوه آمده بود. این خشم عمومی و این انگیزه‌ی عمومی از ایمان مذهبی ملت ایران به طور کامل سیراب شد و معنا پیدا کرد. این خشم عمومی، خشم کور نبود؛ انگیزه‌ی تعریف نشده نبود؛ مردم می‌فهمیدند که چه می‌خواهند و چه کار می‌خواهند بکنند؛ و این بر اثر تعلیمات اسلامی بود. حرکت طلاب جوان و فضلاء وزین به دنبال رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار در طول سالهای متمادی این خودآگاهی را در ملت ایران به وجود آورده بود که این وضعیت برای یک ملت و یک کشور مایه‌ی سرافکنندگی است؛ و این وضعیت قابل تغییر یافتن است؛ و فقط هم به دست خود مردم ممکن است تغییر پیدا کند. این را مردم بدرستی فهمیده بودند. خشم عمومی در همه جای ایران گسترده بود؛ منتها مثل همه‌ی حوادث دیگر لازم بود نقطه‌ی آغازینی به وجود بیاید؛ قهرمانی یا وسط میدان بگذارد و شروع کند. این شروع کننده، مردم قم و حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند؛ اهمیت قضیه این جاست. انگیزه، اسلام؛ هدفها، تعریف شده‌ی به وسیله‌ی معرفت ایمانی و اسلامی؛ امید به حمایت الهی و تکیه به نیروی مجاهدت ملی؛ این مجموعه‌ی آن چیزی بود که ملت ایران، چه در نوزده دی، چه در حوادثی که پس از آن به برکت نوزده دی پیش آمد، آن را در خود جمع کرده بود. این حادثه، طوفان را آغاز کرد؛ طوفانی که هلاک در آن، برای نیروهای ضد حق، نیروهای طغیان و نیروهای شر قطع شده بود. «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»؛ این وعده‌ی الهی است. حق تا وقتی از مردم پشتیبانی نداشته باشد، یک واقعیت ذهنی و یک حقیقت معنوی است؛ نمی‌شود توقع داشت در جایی تحقق و استقرار پیدا کند. اما وقتی به دنبال حق، نیروی ایمان انسانها بسیج شد و به راه افتاد، حق طبق طبیعت نظام هستی است؛ لذا تحقق پیدا می‌کند، و تحقق پیدا کرد. اگر در طول تاریخ طولانی امت اسلامی، از قرون اولیه تا امروز، از وقتی ضعف مسلمانها شروع شد، می‌بینم حق مظلوم و مقهور واقع شد، به خاطر همین کمبود بود؛ چون نیروی مؤمن انسانی شانه‌ی خودش را زیر بار حق نداده بود تا حق را در جامعه علم کند؛ پرچم حق را برافراشته کند؛ ستون حق را در زمین حیات و زندگی مردم استقرار ببخشد؛ لذا همین چیزی شد که می‌بینید: زندگی امت اسلامی به این روز فلاکت‌بار افتاد که در بسیاری از نقاط جهان ما شاهدش هستیم. ولی ملت ایران قانون الهی را عمل کردند؛ یعنی حق را متحمل شدند؛ شانه زیر بار تحقق حقیقت الهی دادند؛ وارد میدان شدند؛ خدای متعال هم نصرت را - همچنان که در قرآن مکرر وعده کرده است - برای اینها ارزانی داشت. این کار از قم شروع شد این روز را مهم بدانید؛ این روز یک مقطع تاریخی است. برای نگهداری آن و گسترش دادن مفاهیمی که در این حادثه وجود دارد، باید تلاش و مجاهدت کرد.

ملت ایران وارد میدان شدند؛ سلطه‌ی دیکتاتوری وابسته را از سر خودشان راندند؛ حضور دشمن غارتگر را از کشورشان نفی کردند؛ دشمن را بیرون راندند؛ نظام فرهنگی غلط و سلطه‌ی تحمیلی فرهنگ بیگانه را تا آن جایی



که توانستند، ژدودند و جریان حق را حاکم کردند. طاغوت رفت و نیروی متکی به مردم و برخاسته ی از ایمان دینی سرکار آمد و همچنان که خدا وعده داده، برکات الهی نازل شد؛ «ولو انّ اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض». خدای متعال وعده کرده است که اگر ایمان و تقوا به میدان بیاید، باب رحمت و برکت را هم باز می کند؛ و این کار صورت گرفت.

امروز اگر شما به کشور نگاه کنید، با دوران طاغوت قابل مقایسه نیست؛ از لحاظ پیشرفتهای مادی، پیشرفته تر است؛ از لحاظ توسعه، توسعه یافته تر است؛ از لحاظ معنویت و اخلاق، بمراتب از آن زمان والاتر و عالی تر است. آن روز این کشور دربست در اختیار امریکایی ها بود؛ هم اقتصادش، هم سیاستش، هم روابط اجتماعی اش. آنچه در این کشور تدبیر می شد، در جهت منافع سلطه گران بیگانه و متنفذ در ایران بود. آن روز ملت ایران در گزینش مدیران ارشد کشور کمترین دخالتی نداشت. آن روز برای اکثریت ملت، مطلقاً فکری نمی شد؛ کاری انجام نمی گرفت و اصلاً اهتمامی وجود نداشت. آن روز علم در کشور در نهایت عقب افتادگی و عقب ماندگی بود؛ این همه استعداد درخشان که در این کشور وجود دارد، راکد و معطل بود. اگر کسی می توانست راهی پیدا کند، به کشورهای دیگر می رفت و برای آنها مشغول می شد؛ کما این که خیل عظیمی رفتند. آن روز ملت ایران برای کوچکترین تولید خود محتاج خارجی بود؛ یا وارد می کرد و یا اگر در داخل ساخته می شد، خارجی آن را می ساخت. ما آن روز سیم خاردار و دسته ی بیل و این چیزها را هم از خارج وارد می کردیم! کشور به برکت انقلاب تحرك پیدا کرد و زیور و شد. آن روز در جمعیت سی و پنج میلیونی و چهل میلیونی کشور تعداد بسیار کمی دانشجو بود. امروز جمعیت ما تقریباً دو برابر شده است؛ اما تعداد دانشجویان ما حدود پانزده برابر شده! شمار استادان و تعداد دانشگاه ها بمراتب از این بیشتر است. صنایعی که ملت ایران به دست خودشان ایجاد کرده اند، يك ماجرای شگفت انگیز است. آن روز ساده ترین چیزها را هم باید دیگران می آمدند و می ساختند. پول ما را می گرفتند، ما را تحقیر می کردند، اما برای ما نوع نازلش را تهیه می کردند! امروز جوانهای ما پیچیده ترین و برجسته ترین فناوری ها را آورده اند در میدان دید عمومی قرار داده اند، که نمونه هایش را شنیده اید و می دانید. آنچه در معرض افکار عمومی و دید عمومی است، بمراتب کمتر از واقعیت است. آن روز اگر می خواستند روی يك رودخانه سدی ببندند، باید می رفتند از چهار تا کشور التماس می کردند و پولهای کلان به اینها می دادند تا بیایند سدی درست کنند؛ آن هم در مواردی نامطمئن! امروز جوانهای خود ما لااقل ده ها برابر آن روز - و یقیناً بیشتر - به دست خودشان این چیزها را می سازند. کشور رشد کرده؛ علم کشور رشد کرده؛ رشد اقتصادی کشور بمراتب از آن روز بهتر است؛ توسعه یافتگی کشور از آن روز بیشتر است؛ معنویت و اخلاق کشور قابل مقایسه ی با آن روز نیست؛ اعتماد به نفس ملی، امروز صد برابر آن روز است؛ و بالاتر از همه این که امروز کشور مستقل است. همه ی این جنجالها و بداخلاقی های جهانی هم که می بینید، به خاطر این استقلال است. این استقلال را مجاهدت مردم برای این کشور به ارمغان آورد. این راه، برگشت یافتنی نیست؛ این را همه در دنیا بدانند. ملت ایران بار دیگر اجازه نخواهد داد امریکایی ها در این مملکت نفوذ پیدا کنند. از روز اول هم دشمنی های همین رژیم غارتگر و مُسرف - یعنی رژیم ایالات متحده ی امریکا - در ایران شروع شد، تا امروز هم ادامه دارد و بعداً هم ادامه خواهد داشت. تا امروز این دشمنی ها اثر نکرده، بعداً هم به حول و قوه ی الهی هیچ اثری نخواهد کرد. البته تحلیل گران و راهبردها سازان استکباری دنیا تصور می کنند همان ماجرای را که در انقلاب اتفاق افتاد و ملت توانستند يك تحول عظیم در کشور و نظام سیاسی به وجود بیاورند، بار دیگر با اهداف خبیث استکباری می توانند چنین چیزی را به وجود بیاورند؛ خودشان را به این در و آن در هم می زنند. در ده پانزده سال اخیر بارها ایادی جاسوسی امریکا و صهیونیست ها و مجموعه ی استکبار جهانی سعی کرده اند بلکه بتوانند در ایران مردم را تحريك و وادار کنند، یا گوشه یی از مردم را به نام مردم تحريك و وادار کنند؛ شاید بتوانند حوادث انقلاب را شبیه سازی کنند. بی عقل ها نمی دانند که حادثه ی انقلاب، درونی بود؛ برخاسته ی از ایمان بود؛ متکی به دل یکایک



آحاد ملت ایران بود؛ تحمیلی نبود؛ پولی نبود. چنین چیزی اگر يك روز ممکن بشود، علیه خود رژیم ایالات متحده و وابستگان آنها ممکن خواهد شد. نظام مستقر و مستحکم ایمانی که پایه اش در دل مردم است، به این بادها کمترین تکانی نمی خورد؛ اما آنها تلاشی خود را می کنند؛ ملت باید هشیار باشد.

عزیزان من! من به شما عرض کنم؛ در طول این بیست و پنج سال، اراده ی الهی و قدرت الهی در هوشیاری و اتحاد و حضور بجا و بموقع مردم خودش را نشان داد. ایمان جوانها و شور و هیجان ایمانی مرد و زن مؤمن ما بود که توانست این انقلاب و این کشور را حفظ کند و رشد عظیم ملی را به وجود بیاورد؛ باز هم همین است. ما معتقدیم حق - یعنی نظام اسلامی متکی به ایمان - بر باطل پیروز خواهد شد؛ در این شکی نیست؛ لیکن شرطش همین است که مردم - بخصوص جوانها - در صحنه حضور داشته باشند و هوشیارانه به حوادث نگاه کنند.

ببینید امروز دنیا در پنجه ی خونریز استکبار جهانی در چه وضعیتی است. امروز همان داستان استعمار است، منتها با شیوه ی نو. يك روز استعمار کهنه بود - استعماری که بعدها اسمش را گذاشتند استعمار کهنه و کهن - می رفتند بر کشورها تسلط پیدا می کردند؛ مثل هند، مثل الجزایر، مثل خیلی از کشورهای دیگر. با بیداری ملتها این استعمار از بین رفت و دیگر نتوانستند ادامه دهند. البته در سالهای دوران استعمار، ملتها را فشرده و واقعاً رُمق آنها را گرفتند؛ ولی به هرحال استعمار کهن از بین رفت و جای آن، استعمار نو را آوردند. استعمار نو این بود که در رأس کشورها بیگانگان نمی آمدند حکومت کنند؛ مثل دوران استعمار قدیم نبود که حاکم انگلیسی برود در هند حکومت کند؛ نه، از خود کشورها کسانی را می گماشتند؛ مثل رژیم طاغوت، مثل رضاخان و پسرش، و مثل بسیاری از دولت‌های دیگر کشورهای جهان سوم - به قول خودشان - و از جمله کشورهای اسلامی. سالهای متمادی ملتها را فشرده؛ مستبدان را آوردند؛ نظامی های کودتاچی را سرکار آوردند و هرطور توانستند، از حضور ملتها مانع شدند.

امروز می بینند این هم بُردی ندارد؛ لذا راه دیگری را برای تسلط بر کشورها در پیش گرفته اند و آن، نفوذ در ملتهاست؛ که این همان چیزی است که من چندی پیش گفتم استعمار فرانو. بالاتر از استعمار نو، يك نوع استعمار دیگر است. ایادی خودشان را به کشورها بفرستند و با پول و تبلیغات و اغواگری های گوناگون و رنگین نشان دادن و موجه نشان دادن چهره ی مستکبران ظالم عالم، بخشی از ملتها را اغوا و تحریک کنند. البته این هم به جایی نخواهد رسید؛ چون چهره ی استعمار و استکبار زشت تر از این حرفهاست؛ نمی تواند ظلم و ستمگری و ددمنشی خود را پنهان کند؛ نمونه اش عراق است. شما ببینید اینها در عراق چه می کنند. امروز پرچم حقوق بشر در دست امریکا و انگلیس و کشورهایی از این قبیل، به يك چیز مسخره و خنده آور تبدیل شده است! امروز ماجرای زندان ابوغریب، زندان گوانتانامو امریکا، رفتار با ملتها به وسیله ی مسلحین و چکمه پوشان امریکایی و انگلیسی، داستان همیشگی ملتهاست. ممکن است ملتها الان تظاهری نکنند، اما این وقایع در دلشان تأثیرات عمیقی دارد و يك روز خودش را نشان خواهد داد. امروز دل ملت‌های اسلامی پر از نفرت از امریکا و مستکبران است. در همین کشورهایی که ظاهراً بر حکام آن کشورها هم تسلط دارند، دل ملت‌ها از اینها پُر است؛ منتظر زمانی هستند که بتوانند این را نشان دهند. دوران نظام استکباری - که مبنای آن بر ظلم به ملت‌ها و تسلط بر جان و مال و ناموس و منابع آنهاست - به سر آمده است. البته ممکن است ملت‌ها دوره های سختی را تجربه کنند، اما دوران زورگویی و قلدری در باطن انسانها و در باطن عالم به سر رسیده؛ بیشتر از این نمی توانند. ملتی که می تواند نقش ایفا کند، ملتی است که به خودآگاهی برسد و از اراده و ایمان و هوشیاری استفاده کند؛ او میدان را خواهد برد. بیشترین اقبال را در این مورد ملت ایران دارد. ملت ایران، هم با استعداد است، هم باهوش است، هم مؤمن است و هم تجربه کرده است. ملت‌های دیگر تجربه ی ملت ما را ندارند. ملت ما می تواند محور يك حرکت عظیم جهانی باشد بر علیه ظلم و نظام استکباری و نظام ظالمانه و نظام ارباب رعیتی جدید و نوبی که امروز مستکبران عالم می خواهند بر دنیا تحمیل کنند. جوانها به این موضوع توجه داشته باشند. هرچه ممکن است، بر آمادگی های خودتان، بر عمق فکری خودتان و بر حضور



خودتان در میدانهای سیاسی و اقتصادی بیفزایید. طلاب جوان، فضیای جوان، جوانان دانشجو، جوانان کارگر، جوانان قشرهای مختلف مردم - چه دخترها و چه پسرها - بدانند که باید در آینده ی دنیا نقش ایفا کنند. جغرافیای سیاسی دنیا را اراده و ایمان انسانها در آینده تعیین خواهد کرد؛ این به عهده ی شماست. البته مسؤولان کشور - چه مسؤولان فرهنگی، چه مسؤولان سیاسی، چه مسؤولان مربوط به مسائل جوانها، چه مسؤولان مربوط به علوم - یقیناً تکلیف های بزرگ و سنگینی دارند. این که بنده راجع به پیشرفت علم این همه تأکید می کنم، به خاطر این است که عالم شدن و دست یافتن به علم و فناوری، نقش بسیار زیادی را در این آینده ایفا می کند. این آینده، متعلق به شما جوانهاست و بدانید که روزهای عزت و شوکت حقیقی ملتها را ان شاءالله خواهید دید و ثمره ی این ایستادگی ها را خواهید چشید. امروز در کشور ما بحمدالله هم اتحاد هست، هم ایمان هست، هم آگاهی و شور هست؛ البته تلاش می کنند که نگذارند. در همین قضایای انتخابات که مردم حقیقتاً با شور و شعور و انگیزه شرکت می کنند، حضور مردمی کاملاً پیداست. در نزدیکی انتخابات - که بعضی ها از الان زمزمه اش را آغاز کرده اند - خواهید دید که زمزمه های تحریم انتخابات شروع خواهد شد؛ برای این که مردم به میدان نیایند، حضور نداشته باشند، گزینش نکنند و از معادلات سیاسی ایران و نظام جمهوری اسلامی حذف شوند. این زمزمه ها ابتدا از محافل سیاستگذاری و طراحان راهبردی امریکا و اسرائیل شروع می شود؛ بعد هم به دست يك عده از آدمهای بی توجه و گاهی هم مزدور و حقیر در داخل می رسد. يك عده خواهند گفت انتخابات را تحریم کنیم؛ يك عده خواهند گفت انتخابات آزاد نیست - برای این که مردم را دلسرد کنند - يك عده بنا می کنند به تخریب چهره ی نامزدهای انتخاباتی. هر کدام از اینها به نحوی سعی می کند این انتخابات را کم رونق کند. من اصرار دارم همه ی مسؤولان کشور و آحاد ملت خودشان را ان شاءالله برای انتخابات آماده کنند. اگرچه تقریباً زمان زیادی به برگزاری انتخابات مانده است و ما هنوز پنج شش ماه تا برگزاری انتخابات وقت داریم؛ اما فضای کشور را باید فضای علاقه مندی و شوق به این انتخابات کرد تا مردم بدانند می خواهند کار بزرگی انجام دهند. دولتی سرکار بیاورند که برای راه رسیدن به آرمانها يك قدم بلند بردارد؛ اساس قضیه این است. چهره های گوناگونی که به عنوان نامزد وارد عرصه ی انتخابات می شوند، به این موضوع توجه کنند. این ملت، تشنه ی کار است؛ کار. کار نکرده زیاد هست؛ میدان هم برای کار در کشور ما بی نهایت است. آنچه مردم به آن علاقه دارند و عاشق آن هستند، این است که رئیس جمهوری سرکار بیاید که مهمترین انگیزه ی او کار برای این ملت باشد و در زمینه های اقتصادی، زیربنایی، فرهنگی، علمی، اخلاقی، سیاست خارجی و سایر زمینه ها کار کند و نشاط و شور و انگیزه ی کار داشته باشد؛ این هم با ایمان امکان پذیر است. نامزدهای انتخاباتی به این نکته توجه کنند. مردم مایلند از زبان نامزدها بشنوند که اینها می خواهند چه کار کنند. نامزدها مشخص کنند که می خواهند چه کار کنند؛ برنامه ها و هدفها و راهبردهایشان را برای مردم مشخص کنند. شور انتخابات این است. حضور حداکثری یی که من روز عیدفطر به ملت عزیز ایران عرض کردم، این طوری تحقق خواهد یافت. ملت هم آماده باشند و نگاه کنند ببینند چه کسی به هدفهای آنها معتقد و مؤمن است و توان کار در جهت این هدفها را دارد. البته ان شاءالله تا زمان انتخابات جزئیات و خصوصیات بیشتری را به ملت ایران عرض خواهم کرد. آنچه از الان همه باید توجه کنند، این است که این کشور و این ملت تشنه ی کار است؛ کار در جهت هدفهای والایی که این ملت برای آن انقلاب کرد، برای آن از مرزهای خودش دفاع کرد، برای آن در میدانها ایستادگی کرد، برای آن این طور تلاش کرد و این رشد علمی و فکری را برای خود به دست آورد. البته دست قدرت الهی پشت سر ملت ایران است؛ من به رأی العین این را مشاهده کرده ام. امام يك وقت در بستر بیماری بودند و من به عیادت ایشان رفته بودم. بنده به ایشان جمله یی عرض کردم؛ ایشان هم در جواب گفتند آنچه من در این چند سال دیدم، این است که دست قدرتی پشت سر ملت ایران است و کارها را دارد پیش می برد. بنده در این چند سال این دست قدرت را دیده ام. چقدر برای این ملت خواب پریشان دیده شد و توطئه چیده شد؛ چقدر دشمنان این ملت پول خرج



کردند تا این ملت را عقب نگه دارند و مرزهای این ملت را بشکنند و بر این ملت تسلط پیدا کنند؛ اما به خاطر همت این مردم - که دست قدرت الهی پشتش بود - نتوانستند و بدانید ان شاءالله بعد از این هم همین طور خواهد بود. از خداوند متعال کمک و هدایت و مدد می خواهیم؛ بر ساحت مقدس ولی اعظم، حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) درود می فرستیم و برای همه ی ملت ایران و برای شما عزیزانی که در این جا تشریف دارید، کمک و دعا و توجه و لطف و عنایت آن بزرگوار را مسألت می کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته